



رضا نباتی

کارشناس قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

برنامه درسی دوره ابتدایی



نگاهی به جایگاه رسم الخط در آموزش روخوانی قرآن در دوره ابتدایی

کلیدواژه‌ها: قرآن، رسم الخط، روخوانی، دوره ابتدایی

# درست بنویسیم تا درست بخوانند

## اشاره

در بند هفتم «اهداف اعتقادی دوره‌ی ابتدایی»، مصوبه‌ی «شورای عالی آموزش و پرورش»، هدف از آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی چنین بیان شده است که: دانش‌آموز «قرآن را از رو می‌خواند و با برخی از سوره‌ها آشنایی دارد و آن‌ها را از حفظ می‌خواند»<sup>۱</sup>. هم‌چنین، طبق مصوبه‌ی همین شورا، افتخار آموزش و تدریس درس قرآن در دوره‌ی ابتدایی، به آموزگار پایه داده شده است.<sup>۲</sup>

از این‌رو، با توجه به وجود مسائلی چون برخی بدفهمی‌ها درباره‌ی دو مصوبه‌ی یادشده، بازنگری و اصلاح مبانی و روش‌های آموزش روخوانی قرآن در دوره‌ی ابتدایی و ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای آموزگاران، از اهمیت فراوانی برخوردار است. آسیب‌شناسی مبانی و روش‌های آموزش قرآن، تبیین راهکارهای اصلاح الگوهای آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی، بسیار مهم و ضروری است؛<sup>۳</sup> اما در این مجال در پی بیان آن نیستیم. بلکه با توجه به ضرورت تبیین جایگاه و نحوه‌ی تأثیر رسم الخط در آموزش قرآن دوره‌ی ابتدایی، به اجمال نکاتی ارائه می‌شود. امید است همکاران آموزگار، ضمن مطالعه‌ی دقیق مطالب، نویسنده را رهنمون باشند.

## معرفی پژوهش

«بررسی مشکلات روش‌های موجود تدریس در کلاس‌های چندپایه و ارائه‌ی روش‌های مناسب‌تر تدریس در این کلاس‌ها در شهرستان گلپایگان» پژوهشگر: پری اسدکی، اصفهان، ۱۳۸۰

هدف تحقیق، بررسی مشکلات روش‌های موجود تدریس در کلاس‌های چندپایه و ارائه‌ی روش‌های مناسب‌تر تدریس در این کلاس‌ها بوده است. براساس نتایج، عوامل اثرگذار بر روش تدریس از دیدگاه معلمان چندپایه عبارت‌اند از: کمبود وقت، تعداد زیاد دانش‌آموزان هر پایه، پایین بودن میزان حقوق، ناآگاهی از شیوه‌ی تدریس در کلاس چندپایه، ناآشنایی با نحوه‌ی تدوین طرح درس در کلاس چندپایه و اجبار معلم برای تدریس در این کلاس‌ها، بی‌سوادی اولیا، کمبود وسایل آموزشی، نامناسب بودن ترکیب سنی دانش‌آموزان و عدم تمرکز حواس.

مشاهده‌گران کلاس‌های چندپایه، مشکلاتی از جمله ناآگاهی معلمان از روش‌های فعال تدریس، ناآگاهی معلم از شیوه‌ی اداره‌ی کلاس چندپایه، استفاده نکردن از معلم‌یار و دانش‌آموزان برای آموزش، تقسیم نامناسب وقت بین پایه‌ها، رها شدن پایه‌های دیگر موقع کار با یک پایه، و نبود بازخورد لازم برای انجام تکالیف دانش‌آموزان در این کلاس‌ها را مشاهده کرده‌اند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، مناسب‌ترین روش‌های تدریس در کلاس‌های چندپایه از نظر معلمان عبارت بوده است از روش‌های: سخن‌رانی، توضیحی، حفظ و تکرار، پرسش و پاسخ، همیاری، حل مسئله و آزمایشی. در حالی که از بین روش‌های تدریس موجود، روش همیاری و فعال، همراه طرح و الگوی تدریس، به‌عنوان مناسب‌ترین روش تدریس معرفی شده است.

فعالیت‌های خود را برای مجله بفرستید تا در صورت تأیید، به نام خودتان چاپ شود.

## علت طرح موضوع

مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از قاریان، حافظان و علاقه‌مندان به قرآن کریم فرمودند: «واقعیت تلخ این جاست که قرآن هنوز در جامعه‌ی ما یک امر عمومی نشده است. همه به قرآن عشق می‌ورزند، احترام می‌کنند، اما عده‌ی کمی همواره آن را تلاوت می‌کنند و عده‌ی کمتری در آن تدبّر می‌کنند.»

این یک واقعیت است که عموم مردم با این که خود را به حقیقت مدافع و فدایی قرآن می‌دانند، اما قرآن نمی‌خوانند. این یک سؤال مهم است که راستی «چرا عموم مردم قرآن نمی‌خوانند؟»

با کمی توجه به تجربه‌های موجود درمی‌یابیم، هر ساله اعتبارات زیادی صرف آموزش عمومی قرآن کریم در جامعه می‌شود. منظور از آموزش‌های عمومی، آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم برای عموم مردم است. مثلاً آموزش و پرورش در طول سال‌های متمادی، برای معلمان آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم برگزار کرده است. یا آموزش عالی، برای دانشجویان از دوره‌ی کاردانی تا کارشناسی ارشد، یک واحد پیش‌نیاز آموزش روخوانی قرآن کریم برگزار می‌کند. و یا نهضت قرآن‌آموزی، با صرف هزینه‌های چندصد میلیونی و میلیاردی، در قالب مؤسسات متعدد قرآنی، اقدام به تشکیل کلاس‌های آموزش روخوانی قرآن کریم می‌کند. ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و تشکیلات و مؤسسات قرآنی مردمی و همچنین مساجد و هیئات نیز همین کار را انجام می‌دهند.

اما باز این سؤال به قوت خود باقی است که «بهر راستی چرا مردم قرآن نمی‌خوانند؟» آیا واقعاً مشکل مردم این است که روخوانی قرآن را بلد نیستند؟ و یا نه، اساساً آنان قرآن نمی‌خوانند؟

پاسخ به این سؤال، ابعاد متفاوتی دارد که در سایر مقالات نویسنده به آن‌ها اشاراتی شده است. ولی به نظر، مهم‌ترین علل عدم انس دائمی عموم مردم با قرآن کریم، نامتناسب بودن رسم‌الخط‌های موجود قرآن‌های رایج با دانش و مهارت‌های کسب شده‌ی مخاطبان است. موضوعی که نه تنها باعث سرخوردگی

خوانندگان از خواندن مستمر قرآن در اثر سرکوبی حاصل از شکست‌های پیاپی در این مسیر شده است، بلکه در بدفهمی مبانی و روش‌های آموزش قرآن، تأثیرات منفی و در عین حال عمیقی گذاشته است.

## علت و معلول

موضوع اصلی این است که عموم مردم ایران به این دلیل با قرآن کریم انس دائمی ندارند که در روخوانی آن با مشکل جدی روبه‌رو هستند. وجود این معلول، ناظر به دو علت اساسی است:

۱. هدف‌گذاری نادرست در عموم آموزش‌های قرآن، از آن جمله نادیده گرفتن مهم‌ترین و اساسی‌ترین هدف آموزش یعنی «انس دائمی مخاطب با قرآن کریم». به تعبیر دیگر، اشکال اساسی شیوه‌های رایج آموزش قرآن در کشور این است که افراد را «قرآن‌دان» بار می‌آورند، اما این شیوه در نهایت به «قرآن‌خوان» شدن مستمر و مادام‌العمر فرد در مسیر زندگی منجر نمی‌شود.
۲. وجود رسم‌الخط‌های متعدد در کتابت قرآن‌های رایج که عمدتاً با سواد فارسی یعنی خواندن و نوشتن آموخته شده‌ی عموم مردم، تناسب لازم را ندارد. در این جا، منظور از رسم‌الخط همان نحوه‌ی اعراب‌گذاری کلمات قرآن است که به آن «ضبط‌المصحف» نیز گفته می‌شود.

جالب است بدانیم، از دلایل مهم بروز مشکل اول و هم‌چنین کج‌تابی روش‌های آموزش عمومی قرآن، بی‌توجهی به جایگاه رسم‌الخط قرآن است و ما به دلیل فقدان فلسفه‌ای وجودی در آموزش‌ها و فعالیت‌های قرآنی در طول سال‌های متمادی، به جای آن که مشکل را حل کنیم، با آن کنار آمده‌ایم. در این جا، با ذکر این که چه چیزی آموزشی روخوانی قرآن نیست، به بیان برخی از این اشکالات می‌پردازیم.

## چه چیزی آموزش روخوانی قرآن نیست؟

در روش‌های تدریس روخوانی قرآن کریم و همین‌طور در عموم کتاب‌های آموزشی

قرآنی، دو اشکال اساسی دیده می‌شود:

**اشکال اول:** آموزش بر خواندن معلم استوار است و قرآن‌آموزان آیات درس را با معلم یا نوار قرائت هم‌خوانی می‌کنند.

**اشکال دوم:** کلاس درس آموزش روخوانی قرآن، به جای مهارت‌آموزی، بر قاعده محوری مبتنی است.

شاید برخی از معلمان یا خوانندگان مقاله بر این باور پافشاری کنند که این روش‌ها کاملاً صحیح است. در پاسخ به این دوستان باید گفت، بسیاری از افراد قادر به روخوانی همه‌ی آیات و صفحات قرآن کریم نیستند و تنها می‌توانند برخی از سوره‌ها و آیات منتخب مانند آیه‌الکرسی و... را بخوانند. این مسئله مربوط به افراد بزرگ‌سال مربوط نیست، بلکه در اغلب کلاس‌ها و جلسات قرآنی مشاهده می‌شود.

این موضوع مانند آن است که یک دانش‌آموز بگوید من فقط می‌توانم کتاب فارسی خود را بخوانم و قادر به خواندن سایر کتاب‌ها نیستم. یقیناً این نوع آموزش از معلم این دانش‌آموز پذیرفته نیست، زیرا که آموزش او به تعمیم یادگیری نینجامیده است.

اشکال کار معلم فارسی و آن معلم قرآن در این ایت که آموزش به جای آن که بر تقویت حسن بینایی تأکید کند، بر حس شنوایی تأکید دارد. از آن جا که هر فردی برای خواندن، لاجرم نیازمند استفاده از چشم است، برای این کار باید حس بینایی به اندازه‌ی کافی مهارت لازم را به دست آورده باشد.

به نظر دانشمندان، تنبلی‌ترین عضو بدن، چشم است، زیرا تنها ده درصد آن چه را می‌بیند به مغز مخابره می‌کند. از سوی دیگر، ۷۳ درصد یادگیری از طریق دیدن اتفاق می‌افتد. بنابراین، اگر معلم تکیه‌ی آموزش خود را بر شنیدن استوار گرداند، این ده درصد دیدن نیز کاهش می‌یابد و دانش‌آموز یا قرآن‌آموز از طریق شنیدن، با کلمات، عبارات و آیات آشنا می‌شود و بر اساس آن چه شنیده است، تنها همان مطالب را «کلی خوانی» می‌کند.

درباره‌ی دلایل بروز اشکال دوم، یعنی قاعده‌آموزی به جای مهارت‌آموزی نیز در جای خود سخن خواهیم گفت.